

سیاست جنایی ایران در قبال بزه اخذ پورسانت

جعفر کوشا

تاریخ دریافت: ۸۵/۰۶/۰۷

استادیار حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ تایید: ۸۶/۰۳/۲۸

روح‌الله رخ‌فروز

کارشناس ارشد حقوق جزا

چکیده

فساد مالی قدمت طولانی دارد اما در دو دهه اخیر در سطح ملی و بین‌المللی توجه بیشتری به آن معطوف شده است. مفاسد مالی مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد. از جمله آنها اخذ مزایای مالی توسط مأموران خرید در معاملات دولتی می‌باشد. که طبق قوانین کیفری ما تحت عنوان بزه اخذ پورسانت قابل تعقیب است. البته در اسناد بین‌المللی مربوط، عنوان مستقلی برای این بزه در نظر گرفته نشده و تحت عنوان کلی فساد مالی بیان شده است. هدف اصلی این متن بررسی سیاست جنایی ایران در قبال این بزه می‌باشد و طی آن بررسی می‌شود که آیا سیاست جنایی ایران در این زمینه سیاستی یک سویه و سرکوبگرانه است؟ و آیا در سیاست جنایی ایران در این رابطه به یافته‌های علمی توجه شده است؟ در موارد مقتضی به اقدامات بین‌المللی اتخاذ شده در این زمینه نیز اشاره می‌شود. واژگان کلیدی: پورسانت، سیاست جنایی، فساد مالی.

مبحث اول: مفاهیم، پیشینه، مبانی و عناصر بزه اخذ پورسانت

گفتار اول: مفهوم پورسانت

در زبان فارسی واژه پورسانت از لغت فرانسوی «pourcentage» اخذ شده است. در زبان فرانسه این واژه به معنای درصد، میزان سود و حق دلالتی است که در هر صد فرانک فرانسه محاسبه و ارزیابی می‌شود (نفیسی، ۱۳۷۸: ۴۸۹). لفظ پورسانت در زبان انگلیسی معادل واژدی «percent» می‌باشد که خود از واژه‌ی لاتین «per centum» به معنی درصد یا مقداری از صد اخذ شده است (Campbell Black, 1990:1293). در واقع این لغت از دو واژه «per» به معنی هر و «cent» به معنی یکصدم دلار ترکیب یافته است که معنای مذکور از آنها استنباط می‌شود.

در زبان فارسی عبارت فرانسوی این واژه یعنی پورسانت یا پورسانتاژ استعمال می‌شود. هر چند فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه «درصدانه» را به عنوان معادل فارسی آن برگزیده است. به هر حال، در زبان فارسی نیز از لفظ پورسانت یا درصدانه همان معنای درصد، صدچندی و... استنباط می‌شود (ر.ک: عمید، ۱۳۷۷: ۳۸۲). از نظر مفهوم اصطلاحی قانون‌گذار در هیچ یک از قوانین مربوطه، این بزه را تعریف نکرده است. در رویه قضایی و احکام دادگاه‌ها نیز تعریفی از این جرم ارائه نشده است. از این رو طبق تعریف یکی از نویسندگان (ولیدی، ۱۳۸۰: ۴۶): «جرم [اخذ] پورسانت عبارت است از درصدی از مبلغ کل قیمت کالا در جریان انجام معامله با فروشنده خارجی که توسط او به مأمورین دولتی طرف معامله که بر اساس موافقت قبلی مأمور، به صورت وجه نقد یا مال یا سند پرداخت وجه به طور مستقیم یا غیر مستقیم پرداخت می‌گردد و مأمور دولتی این جریان را از سازمان متبوع خود مکتوم نگاه می‌دارد» (ولیدی، ۱۳۸۰: ۴۶).

این تعریف بی اشکال نیست، زیرا هر چند پورسانت معمولاً به صورت درصد معینی از قیمت کالا پرداخت می‌شود اما همواره پرداخت پورسانت بر مبنای درصد محاسبه نمی‌شود. از طرف دیگر، در این تعریف بزه اخذ پورسانت منحصر به معاملات خارجی دانسته شده است در حالی که طبق ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی و همچنین ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اخذ پورسانت در معاملات داخلی نیز جرم محسوب می‌شود. از این رو بهتر است بزه اخذ پورسانت این گونه تعریف شود:

«اخذ پول، مال یا هر چیز با ارزش توسط مأموران دولتی در راستای انجام معاملات دولتی به نفع خود یا شخص دیگر».

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گفتار دوم: پیشینه بزه اخذ پورسانت

بزه اخذ پورسانت قدمت چندانی ندارد. در دوران باستان جرم خاصی به نام اخذ پورسانت وجود نداشته است. در آن دوران جرایم تحت عناوین عام و محدودی همچون قتل، سرقت، زنا و... احصا شده بودند. با این حال از طبقه حاکم، حمایت بیشتری به عمل می‌آمد و سرقت از اموال دولتی و معابد نسبت به سرقت از افراد عادی، مجازات شدیدتری به همراه داشته است. تا جایی که در ماده ۶ قانون حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ ق.م) برای سرقت از اموال دولتی و معابد، مجازات مرگ در نظر گرفته شده بود^۱ (ر.ک: قانون نامه حمورابی، ۱۳۷۳: ۳۳).

اولین قانونی را که در ارتباط با ممنوعیت اخذ پورسانت در ایران به تصویب رسید می‌توان

۱- در این رابطه می‌توان به پورسانت‌های کلانی که مأموران وزارت پست و تلگراف و تلفن و مأموران خرید هواپیما اخذ کردند اشاره نمود (برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: نصیری، ۱۳۸۰: ۳۷).

ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ دانست. هر چند مقنن در این ماده به صراحت واژه پورسانت را به کار نبرده بود اما مستخدمین و مأمورین دولتی را از تحصیل هر گونه منفعتی به نفع خود در معاملات، مزایده‌ها، مناقصه‌ها، تخصیصات و امتیازات دولتی منع می‌کرد. این قانون تا سال ۱۳۶۲ اعتبار داشت تا این که با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ماده ۸۱ این قانون با تغییراتی جایگزین ماده مذکور شد.

افزایش اخذ پورسانت - به ویژه در معاملات خارجی - تعدادی از نمایندگان مجلس را بر آن داشت تا با ارائه طرحی به نام « ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی » و وضع قانون خاص با این عمل مبارزه نمایند. این طرح که در تاریخ ۱۳۷۲/۴/۲۷ به صورت ماده واحده به تصویب مجلس رسید مقرر می‌دارد: « قبول هر گونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است و مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت، به حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات مقرر در ماده مذکور است و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- در متن ماده واحده، رد پورسانت یا معادل آن به دولت از مورخ ۱۳۵۸/۱/۱ مجری خواهد بود.

تبصره ۳- در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله پورسانت می‌پردازد، موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذیربط رسانده می‌شود و وجه مزبور در یافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.^۱

در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۰۳ این قانون اخذ هر گونه نفع در داخل یا خارج از کشور توسط کارمندان دولت در معاملات، مزایده‌ها و مناقصه‌ها را جرم دانست. این ماده که در واقع جایگزین ماده ۸۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ شد، مقرر می‌دارد: « هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مذکور در ماده ۵۹۸ که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تخصیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری، نفعی

۱- این قانون به نام « ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی » معروف می‌باشد اما در این متن به اختصار « ماده واحده » نامیده می‌شود.

در داخل یا خارج از کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص با سایر اشخاص یا نمایندگان یا شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آنها چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده و یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد، به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا جزای نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد». تا دی ماه ۱۳۸۲ نظامیان در رابطه با بزه اخذ پورسانت مشمول تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح بودند. با اصلاح این قانون در سال ۱۳۸۲ ماده ۱۰۹ قانون جدید جایگزین ماده مذکور گردید. این ماده مقرر می‌دارد: «قبول هر گونه هدیه یا امتیاز یا درصدانه از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال، تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای خارجی و داخلی توسط نظامیان ممنوع است. مرتکب مذکور علاوه بر رد هدیه یا امتیاز یا درصدانه یا معادل آن به دولت، به حبس تعزیری از دو تا ده سال و جزای نقدی برابر هدیه یا امتیاز یا درصدانه محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات حبس مقرر در این ماده است.

تبصره ۲- در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله درصدانه می‌پردازد، موضوع قبلاً به اطلاع مسئول مربوط رسانیده می‌شود و وجوه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول این ماده نخواهد بود.»

گفتار سوم: مبانی جرم‌انگاری اخذ پورسانت

الف) مبانی شرعی

خداوند انسان‌ها را از خوردن اموال به باطل بر حذر داشته است « لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون » (بقره/۲) و همان گونه که برخی از فقها بیان داشته‌اند، مراد از خوردن در این آیه هرگونه تصرف باطل در اموال است (ر.ک: طباطبائی: ۹۴).

در واقع خداوند در این آیه انسان‌ها را از این که اموال خود را از راه‌هایی مغایر با موازین شرعی تحصیل کنند بر حذر داشته است. در آیه ای دیگر نیز خداوند اشخاصی را که به گناه تعدی و حرام‌خواری مشغول هستند سرزنش می‌کند: « وتری کثیراً منهم یسارعون فی الائم والععدوان واکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون » (مائده/۶۲). مراد از سحت در آیه فوق، مال حرام و کسب و کار زشت و حرامی است که موجب ننگ می‌باشد (المنجد، ۱۳۸۱: ۳۲۳). در واقع هر مالی که از راه حرام به دست آید سحت محسوب می‌شود و اکل سحت نیز به معنی خوردن مال از راه نامشروع می‌باشد.

در روایات به طور کلی دادن هدیه به مأموران دولت منع شده است. به طوری که از پیامبر اکرم (ص) نقل است: «هدایا للعمال حرام کلهما» (الهندی، ۱۳۷۷: ۵۷). به نظر می‌رسد علت این امر جلوگیری از اخذ رشوه در پوشش هدیه از سوی کارگزاران دولت می‌باشد، به گونه‌ای که در ظاهر هدیه دریافت می‌کنند اما در باطن و حقیقت امر رشوه است. علاوه بر این در مورد قبیح پورسانت از لحاظ شرعی می‌توان به حدیث دیگری از پیامبر اسلام اشاره کرد. «پیامبر (ص) مردی از بنی‌اسد به نام ابن اتیبه را مأمور جمع‌آوری زکات کرد. چون اموال زکات را آورد، عرض کرد، این برای شماست و این هم به خود من هدیه شده است. رسول خدا (ص) بر منبر ایستاد... و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: چه شده است که کارگزار را می‌فرستیم و وقتی می‌آید می‌گوید: این از آن توست و این از آن من؟ چرا در خانه پدر و مادرش نمی‌نشیند تا ببیند آیا باز هم برای او هدیه می‌آورند یا نه؟ سوگند به آن که جان من در دست اوست (آن کارگزار) هیچ چیز بر ندارد مگر آن که روز قیامت آن را بر دوش خود می‌کشد، اگر چه اشتری خروشان باشد، یا گاوای نعره‌زن یا گوسفندی که بع بع می‌کند» (همان: ۲۴۴).

با دقت در حدیث فوق در می‌بایم هدایا و پورسانت‌هایی که مأموران دولت در حین یا به علت انجام وظیفه خود اخذ می‌کنند از آن آنها نمی‌باشد بلکه به بیت‌المال تعلق دارد و باید آن را به خزانه دولت بازگردانند. بر این اساس، تصاحب چنین اموالی از نظر شرع اسلام صحیح نیست و نوعی تصرف در اموال حرام می‌باشد.

ب) مبانی عقلی

با توجه به آثار سوئی که اخذ پورسانت در جامعه ایجاد می‌نماید جرم‌انگاری آن ضروری به نظر می‌رسد. در زیر به برخی از این آثار اشاره می‌کنیم:

۱- اخذ پورسانت توزیع ناعادلانه ثروت را به دنبال می‌آورد: اخذ پورسانت باعث می‌شود تا عده‌ای با سوء استفاده از موقعیت دولتی و منصب عمومی در اندک زمان به ثروت‌های کلانی دست یابند و بدین ترتیب فاصله میان فقرا و اغنیا زیاد می‌شود. افزایش فاصله میان متمکنان و تهیدستان آثار سوئی همانند افزایش جرایم خشونت بار را به دنبال خواهد داشت. «سطح نابرابری اقتصاد کلی در یک جامعه - یعنی، شکاف بین ثروتمندترین و فقیرترین شهروند- تأثیر علی بر سطح جرم خشونت بار در آن جامعه دارد» (ولد، توماس و اسپینس، ۱۳۸۰: ۱۷۰). بدین ترتیب پورسانت نه تنها خود مفسده محسوب می‌شود بلکه با توزیع ناعادلانه ثروت تأثیر مستقیمی بر افزایش جرایم خشونت‌بار دارد.

۲- اخذ پورسانت باعث افزایش هزینه‌های دولت می‌شود: طبق تحقیقات به عمل آمده بخش زیادی از بودجه‌های جاری و عمرانی کشورهای جهان سوم در جریان فساد از بین می‌رود

(ر.ک: ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). به عنوان مثال می‌توان به خرید کالاهای نامرغوب به علت اخذ پورسانت اشاره نمود که هزینه‌های زیادی را برای دولت ایجاد می‌کند.

۳- اخذ پورسانت لطمه و صدمه به شرکت‌های داخلی را به همراه دارد: اخذ پورسانت در معاملات خارجی مأموران خرید را به خرید از شرکت‌های خارجی ترغیب می‌نماید، زیرا در اغلب موارد شرکت‌های داخلی قادر به پرداخت چنین پورسانت‌های کلانی نمی‌باشند که این امر علاوه بر لطمه به شرکت‌های داخلی، به نظام اقتصادی کشور نیز صدمه می‌زند.

گفتار چهارم: عناصر بزه اخذ پورسانت

هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل شده است و برای این که بتوان متهم را به ارتکاب جرم محکوم نمود باید کلیه اجزای این عناصر توسط مقام تعقیب کننده به اثبات برسد. در زیر به عناصر بزه اخذ پورسانت می‌پردازیم:

الف) عنصر قانونی

قانون حاکم در مورد پورسانت، ماهیت تبصره ۳ ماده واحده، عطف به ماسبق شدن این قانون و وضعیت پورسانت در کنوانسیون‌های بین‌المللی را در ادامه بررسی می‌کنیم.

۱- قانون حاکم در ایران: در حال حاضر در مورد ممنوعیت اخذ پورسانت قوانین متعددی وجود دارد: ماده واحده ۱۳۷۲، ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲. حال سؤالاتی در این جا مطرح می‌شود از جمله این که: چگونه باید قوانین مزبور را با هم جمع کرد؟ آیا با وجود ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی، ماده واحده همچنان معتبر است یا نسخ شده است؟ و آیا ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مخصص ماده واحده و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی در مورد پورسانت‌هایی است که افراد نظامی در قرارداد‌های داخلی و خارجی کسب می‌کنند؟

با مقایسه ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با ماده واحده و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود که قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح فقط اخذ پورسانت توسط افسار نظامی را شامل می‌شود و نسبت به دو قانون فوق که شامل همه کارمندان دولت می‌شود، خاص می‌باشد. در مواردی که قانون و یا قوانین سابق عام و قانون لاحق خاص باشد حقوق دانان معتقدند که مقنن، با وضع قاعده خاص قصد محدود کردن دامنه شمول قانون عام سابق را در همان مورد به خصوص داشته است و در واقع قانون لاحق، قانون سابق را تخصیص زده و دامنه شمول آن را محدود کرده است (رک صانعی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). لذا، با توجه به توضیحات فوق و ذکر عبارت «معاملات و قرارداد‌های خارجی و داخلی توسط نظامیان» در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم

نیروهای مسلح، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که ماده ۱۰۹ قانون اخیر الذکر حکم ماده واحده و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی را تخصیص زده است. بنابراین، افراد نظامی از جهت بزه اخذ پورسانت مشمول ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح می‌شوند.

ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی که حکم اخذ کمیسیون (پورسانت) را در معاملات داخلی و خارجی بیان می‌کند نسبت به ماده واحده که حکم اخذ پورسانت در معاملات خارجی را بیان می‌کند، عام تر می‌باشد. از این رو، این مورد شامل تعارض حکم عام مؤخر با حکم خاص مقدم می‌باشد. در این زمینه نویسندگان اختلاف نظر دارند. بعضی قائل به نسخ ضمنی هستند، اما در مقابل عده‌ای دیگر این احتمال را قوی می‌دانند که مقنن تمایلی به نسخ حکم خاص نداشته است و حکم خاص همچنان به اعتبار خود باقی است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۷۴ و همو، ۱۳۷۷: ۳۷۸). اما همان طور که استاد جعفری لنگرودی نیز بیان داشته‌اند پیروی از نظر دوم مرجح می‌باشد و بهتر است قضات تا جایی که می‌توانند حکم به نسخ ندهند (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۱۰۰). بنابراین، باید دو قانون را باهم جمع کرد به گونه‌ای که هر دو قانون معتبر باقی بمانند. لذا می‌توان حکم ماده واحده را شامل پورسانت‌هایی دانست که در معاملات خارجی اخذ می‌شوند و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی را حاکم بر پورسانت‌هایی به شمار آورد که در معاملات داخلی اخذ می‌شود.

در عمل نیز دادگاه‌ها ماده واحده را منسوخ ندانسته‌اند به طوری که در آرای ۳۸۵۱-۲۶/۱۱/۳۷۷ و ۲۲۸۲-۲۱/۵/۱۳۷۸ دادگاه عمومی تهران با وجود تصویب و لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی، همچنان در مورد پورسانت‌هایی که در معاملات خارجی اخذ شده است به ماده واحده استناد و طبق آن حکم صادر شده است.

۲- ماهیت تبصره ۳ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی (ماده واحده): قانون گذار در تبصره ۳ ماده واحده، پورسانت گیرنده‌ای را که دریافت پورسانت را به اطلاع مقامات مسئول رسانده و وجه مزبور را دریافت و به حساب خزانه واریز نماید مشمول ماده ندانسته است. این تبصره از مصادیق کدامیک از تأسیسات حقوقی می‌باشد؟ آیا از علل شخصی رافع مسؤولیت است یا از معاذیر قانونی معاف کننده و یا از اسباب اباحه؟

به نظر می‌رسد نمی‌توان این تبصره را از علل شخصی رافع مسؤولیت کیفری دانست، زیرا علل رافع مسؤولیت، کیفیاتی نفسانی و درونی در شخص مرتکب می‌باشند که باعث معافیت وی از مجازات می‌شوند در حالی که از تبصره چنین چیزی استنباط نمی‌شود. از معاذیر قانونی معاف کننده نیز نمی‌باشد، زیرا در این صورت باید قائل شد به این که جرم اتفاق افتاده است اما مقنن بنا به مصالحی تصمیم گرفته است از مجازات شخص صرف نظر نماید. در حالی که از عبارت «... مشمول

ماده فوق نخواهد بود»، چنین چیزی استنباط نمی‌شود. از طرف دیگر، اگر این تبصره از مصادیق عذر قانونی دانسته شود موجب می‌شود مأموران خرید برای جلوگیری از مشکلات احتمالی آینده از قبول پورسانت امتناع ورزند؛ حال آن که گاهی پورسانت پرداخت می‌شود و عدم دریافت پورسانت تاثیری در کمیت یا کیفیت مورد معامله ندارد. بنابراین، به نظر می‌آید مقنن با وضع این تبصره قصد داشته است پورسانت گیرنده‌ای را که پرداخت پورسانت را به اطلاع مسؤلان می‌رساند و وجوه دریافتی را به حساب خزانه واریز می‌نماید، مشمول اسباب اباحه دانسته و عمل وی را اصلاً جرم نداند تا افراد تشویق به دریافت پورسانت و واریز آن به صندوق دولت شوند.

۳- عطف به ماسبق شدن ماده واحده: مقنن در تبصره ۲ ماده واحده، این قانون را در مورد پورسانت‌ها یا معادل آن که از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ توسط مأموران خرید اخذ شده، لازم الاجرا دانسته است و بدین ترتیب در واقع قانون را در این زمینه عطف به ماسبق کرده است. در حالی که عطف به ماسبق کردن قوانین، مغایر با آموزه‌های علم حقوق می‌باشد. در اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴ قانون مدنی، عطف به ماسبق نشدن قانون مورد تأکید قرار گرفته است. حال در جایی که مقنن - همانند تبصره ۲ ماده فوق - از قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین تخطی نماید و قانون را عطف به ماسبق کند تکلیف محاکم چیست؟ آیا باید قانون را عطف به ماسبق کنند و یا این که به قانونی که عطف به ماسبق شده است توجه نکنند؟

در این زمینه بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی همانند پرفسور گارو اعتقاد دارند قانون‌گذاری که قانون را عطف به ماسبق می‌کند مخالف شئون و حقوق عرفی کشور عمل کرده است و قضات همان گونه که فقط نسبت به جرایمی که بعد از وضع قانون ارتکاب می‌یابند وظیفه تعقیب دارند، نباید اعمالی را که قبل از وضع قانون ارتکاب یافته‌اند تعقیب نمایند (ر. ک: گارو: ۲۷۱). در مقابل عده‌ای دیگر اعتقاد دارند قاضی حق کنترل قوانین مجلس را ندارد و مکلف است قوانین عادی را اگر چه عطف به ماسبق شده باشد اجرا کند (ر. ک: استفانی، ۱۳۷۷: ۱۸۸). اما از آن جا که به عطف به ماسبق نشدن قوانین در قانون اساسی ما تصریح شده است می‌توان سؤال را به گونه‌ای دیگر طرح کرد و آن این که آیا قضات می‌توانند از اجرای قانون عادی که مغایر با قانون اساسی است امتناع ورزند؟

طبق اصل ۹۶ قانون اساسی، مسؤلیت تطبیق قانون عادی با قانون اساسی به عهده‌ی شورای نگهبان است؛ قضات وظیفه و مسؤلیتی در این رابطه ندارند. اما برخی از اساتید معتقدند اگر قاضی با دو متن متعارض روبه‌رو شود که یکی از آنها قانون عادی و دیگری قانون اساسی باشد؛ قاضی باید به قانون عالی‌تر عمل کند (ر. ک: کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۴۷-۱۶۶). بنابراین، از آن جایی که در

تبصره ۲ قانون اخیرالذکر، مقنن بر خلاف نص صریح قانون اساسی، مبادرت به عطف به ماسبق نمودن قانون کرده است محاکم می‌توانند با استناد به اصل ۱۶۹ قانون اساسی به تبصره مذکور عمل نکنند و از عطف به ماسبق کردن قانون امتناع ورزند.

۴- اخذ پورسانت در کنوانسیون‌های بین‌المللی: کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فرا ملی (پالرمو ۲۰۰۰) و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (میریدا ۲۰۰۳) از جمله کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌باشند که در آنها به فساد مالی پرداخته شده است. اما در هیچ کدام از این کنوانسیون‌ها عنوان مجرمانه خاصی به نام اخذ پورسانت وجود ندارد؛ بلکه اخذ پورسانت تحت عنوان کلی فساد مالی جرم انگاری شده است. بند «ب» قسمت اول ماده ۸ کنوانسیون پالرمو در مورد جرم انگاری فساد مالی این تعریف را مقرر می‌دارد: «در خواست یا پذیرش یک مزیت نامشروع از سوی یک مقام عمومی به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به نفع خود یا شخص یا نهاد دیگری، به منظور این که مقام عمومی در اجرای وظایف رسمی خود فعلی را انجام یا از انجام عملی خودداری ورزد». با توجه به اطلاق مزیت نامشروع در این بند، استنباط می‌شود که فعل مورد نظر اعم از ارتشا بوده و تمام اشکال فساد مالی و سیاسی از جمله اخذ پورسانت را شامل می‌شود. «آن چه که در این ماده مورد نظر است سوء استفاده از موقعیت اداری برای به دست آوردن امتیاز (مزیت نامشروع) است که شامل اعمال تبعیض و اعمال نفوذ و... اخذ پورسانت و امثال آن است» (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۱۸۳). بدین ترتیب تحصیل مزیت نامشروع مذکور در کنوانسیون‌های پالرمو و میریدا را نباید تنها منحصر به ارتشا به معنی مضیق کلمه دانست، بلکه به نظر می‌رسد تدوین کنندگان کنوانسیون مفهوم موسعی از فساد مالی را مدنظر داشته‌اند که اخذ پورسانت را نیز در بر می‌گیرد.

ب) عنصر مادی

در این قسمت، موضوع جرم، خصوصیات مرتکب جرم، فعل مرتکب، شرایط و اوضاع و احوال لازم، مطلق یا مقید بودن و شروع به جرم اخذ پورسانت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- موضوع جرم: مطابق ماده واحده و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح موضوع این جرم «وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال» می‌باشد. با توجه به استعمال عبارت «از قبیل» در صدر این مواد استنباط می‌شود که موارد فوق جنبه حصری ندارند. اما از آن جا که موارد مذکور مال یا وسیله تحصیل مال می‌باشند و در حقوق کیفری نیز قضات موظف به تفسیر مضیق قوانین می‌باشند و نمی‌توانند قانون را به ضرر متهم تفسیر موسع نمایند، به نظر می‌آید که تنها مزایایی را که جنبه مالی دارند می‌توان مشمول ماده دانست و مزایای غیر مالی از شمول ماده خارج می‌باشد! در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی، مقنن به طور مطلق تحصیل منفعت را در معاملات، مزایده‌ها و... جرم دانسته

است اما از آن جا که قانون در این زمینه اطلاق دارد به نظر می‌رسد منافع مالی و غیر مالی هر دو را شامل می‌شود. لازم به ذکر است که مقدار پورسانت اخذ شده تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم مذکور ندارد. با وجود این، در این زمینه نباید افراط کرد و تفسیر منطقی و صحیح این است که اگر پورسانت اخذ شده ارزش مالی بسیار ناچیزی داشته باشد تحت این عنوان قابل تعقیب نباشد.

۲- مرتکب جرم: در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار به لزوم کارمند بودن مرتکب تصریح کرده است و طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز نظامی بودن شرط تحقق این جرم می‌باشد. اما در متن ماده واحده ویژگی خاصی برای مرتکبین این جرم در نظر گرفته نشده است در نتیجه هر شخصی را که مبادرت به اخذ پورسانت به طریق مذکور در این قانون بنماید، را می‌توان به عنوان مرتکب این جرم تعقیب نمود. اما از آن جا که در قانون مذکور اخذ پورسانت تنها در رابطه با شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی جرم انگاری شده است، اغلب کارمندان دولت در معرض ارتکاب این جرم می‌باشند.

از سوی دیگر با توجه به این که مقنن قبول پورسانت را جرم انگاری نموده است و قبول نیز منصرف به انسان می‌باشد به نظر می‌آید تنها اشخاص حقیقی را می‌توان به عنوان پورسانت گیرنده تعقیب نمود. مضافاً بر این که یک حکم عمومی در زمینه قابلیت ارتکاب جرم وسیله شخص حقوقی و مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

۳- فعل مرتکب: با توجه به ذکر عبارت «قبول» در ماده واحده و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، و عبارت «منظور داشتن نفع برای خود یا دیگری» در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی، استنباط می‌شود که این جرم تنها با فعل مثبت تحقق می‌یابد.

با توجه به ذکر عبارت «قبول نماید» در متن ماده واحده و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح چنین به نظر می‌آید که قبض وجه، مال و... ضروری می‌باشد. به عبارت دیگر تا زمانی که مزایای مالی مذکور در قانون اخذ نشود جرم مورد نظر به طور تام و کامل تحقق نمی‌یابد، زیرا از یک سو تفسیر موسع به ضرر متهم صحیح نمی‌باشد و از سوی دیگر، با توجه به ذکر عبارت «رد پورسانت یا معادل آن» در متن قانون به عنوان یکی از مجازات‌های این جرم برای تحقق این جرم، اقتضا می‌نماید که مزایای مالی توسط متهم اخذ شده باشد وگرنه الزام به بازگرداندن چیزی که اخذ نشده بی‌معناست. اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به سؤال مشابهی در مورد بزه ارتشا در نظریه مشورتی شماره ۵۷/۲۶۷- ۱۹/۵/۱۳۷۲ خود همین موضع را اتخاذ کرده و برای تحقق ارتشا قبض مال الرشاء را ضروری دانسته است (ر.ک: کریمی، ۱۳۷۷: ۱۹۹-۲۰۰). این در حالی است که در کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا از دولت‌ها خواسته شده است صرف در خواست یک مزیت نامشروع از سوی مقام عمومی را جرم انگاری نمایند.

۴- شرایط و اوضاع و احوال لازم: یکی از شرایط تحقق بزه اخذ پورسانت این است که برای انجام معامله اخذ شده باشد. بنابراین، اگر کارمندی که متصدی امور کارگزینی اداره دولتی است به منظور استخدام فردی مبادرت به دریافت مالی تحت عنوان کمیسیون، پاداش و... نماید، عمل وی بزه اخذ پورسانت تلقی نمی‌شود؛ هر چند ممکن است مشمول سایر عناوین مجرمانه باشد. علاوه بر این پورسانت باید در رابطه با معاملات سازمان‌های دولتی مذکور در قانون اخذ شده باشد. به عبارت دیگر، اگر شخصی در رابطه با معاملات شرکت‌های غیر دولتی پورسانت اخذ کند عمل وی مشمول هیچ کدام از مواد قانونی مربوط به بزه اخذ پورسانت نمی‌باشد.

۵- مطلق بودن: براساس ماده واحده و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به صرف قبول (دریافت) پورسانت از سوی مأمور خرید، این جرم تحقق می‌یابد؛ بنابراین جرمی مطلق می‌باشد. مطابق ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی نیز با تحصیل منفعت از سوی کارمند دولت در معاملات، مزایده‌ها، مناقصه‌ها و... مربوط به دستگاه متبوع خود این جرم تحقق می‌یابد لذا طبق این ماده نیز لزومی ندارد که از عمل مرتکب نتیجه خاصی حاصل شود تا این جرم تحقق یابد. اما طبق این ماده اگر عمل مرتکب در اخذ پورسانت باعث ایجاد تغییر منفی در کیفیت، کمیت یا قیمت معامله بشود مجازات مرتکب تشدید می‌شود که در این جا نیز اصل جرم مطلق است اما تشدید مجازات مقید به حصول نتایج می‌باشد که در قانون ذکر شده است.

۶- شروع به جرم (Attempt): شروع به جرم به اقداماتی گفته می‌شود که ارتباط مستقیم و بلاواسطه‌ای با جرم دارد؛ به گونه‌ای که اگر مانع خارجی به وقوع نمی‌پیوست جرم مورد نظر تحقق می‌یافت. اما اگر بین اعمال انجام یافته و نیت مجرم فاصله طولانی وجود داشته باشد چنین عملی را نمی‌توان شروع به جرم دانست (ر.ک: محسنی، ۱۳۷۶: ۱۷۶). با این ضابطه صرف در خواست پورسانت از سوی مأمور خرید را نمی‌توان شروع به جرم اخذ پورسانت به حساب آورد، زیرا بین درخواست پورسانت و دریافت آن توسط مأمور خرید ارتباط مستقیم و بلاواسطه وجود ندارد.

همان گونه که در رأی وحدت رویه شماره ۶۳۵-۱۳۷۸/۴/۸ نیز بیان شده است شروع به جرم در صورتی جرم و قابل مجازات است که در قانون پیش بینی و به آن اشاره شده باشد (ر.ک: قربانی، ۱۳۸۳: ۶۸۹). لذا اگر عمل شخص مشمول ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی شود، شروع به آن جرم محسوب نمی‌شود. اما اگر عمل وی مشمول ماده واحده باشد به صراحت تبصره یک این ماده شروع به آن جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌شود. اگر نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

هر چند مقنن رد پورسانت و جزای نقدی را در کنار حبس به عنوان مجازات این جرم پیش‌بینی نموده اما از آن جا که در شروع به جرم هنوز پورسانتی اخذ نشده حکم به رد پورسانت یا پرداخت جزای نقدی معادل آن بی معناست. شاید به همین دلیل است که مقنن در تبصره یک ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مجازات شروع به این جرم را حداقل مجازات حبس مقرر در این ماده تعیین نموده است.

ج) عنصر روانی

بزه اخذ پورسانت از جرایم عمومی است که برای تحقق آن وجود قصد مجرمانه ضروری می‌باشد. بنابراین، مأمور خرید باید با علم به ماهیت عمل خود و از روی اراده و اختیار مبادرت به اخذ پورسانت نماید. اما اگر مأمور خرید بداند که وجه، مال و ... به دلیل انجام معامله به وی پرداخت شده است اما نداند که عمل وی اخذ پورسانت می‌باشد، در ماهیت عمل وی تغییری حاصل نمی‌شود. به عبارت دیگر، عنوان زیبا، مفهوم واقعی و ماهیت زشت کار را از بین نمی‌برد. قانون‌گذار نیز با ذکر عبارت «تحت هر عنوان» جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای را در این زمینه باقی نگذاشته است. علاوه بر این، باید بین عنصر مادی و روانی تقارن و همزمانی وجود داشته باشد؛ یعنی مأمور خرید باید در لحظه اخذ پورسانت دارای سوء نیت یا قصد مجرمانه باشد.

مبحث دوم: واکنش جامعه در قبال بزه اخذ پورسانت

واکنش جامعه در قبال بزه اخذ پورسانت را می‌توان به واکنش‌های کیفری و غیرکیفری تقسیم نمود. در زیر ابتدا پاسخ‌های کیفری و سپس پاسخ‌های غیرکیفری به این بزه بیان می‌شود.

گفتار اول: پاسخ‌های کیفری

مجازات‌های مالی و حبس، پاسخ‌های کیفری به بزه اخذ پورسانت می‌باشند.

الف) مجازات حبس: قانون‌گذار مجازات حبس از دو تا پنج سال را به عنوان مجازات این بزه در ماده واحده تعیین نموده است. در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس به عنوان یک کیفیت مشدده در نظر گرفته شده است. طبق این ماده در صورتی که اخذ کمیسیون موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن شود، مرتکب علاوه بر مجازات مذکور در صدر ماده، به حبس از شش ماه تا پنج سال نیز محکوم می‌شود. البته قانون‌گذار قضات را مختار کرده است که به جای مجازات حبس، حکم به جزای نقدی از سه تا پنج میلیون ریال بدهند. بنابراین، محاکم در مورد پورسانت‌هایی که در معاملات داخلی اخذ می‌شود الزامی به صدور حکم به مجازات حبس ندارند و می‌توانند به جزای نقدی حکم دهند.

در مورد افراد نظامی قانون گذار شدت عمل بیشتری به خرج داده و طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مجازات حبس از دو تا ده سال برای این افراد در نظر گرفته است. علت این امر هم اشتغال افراد به فعالیت‌های نظامی می‌باشد. البته طبق ماده ۱۱ قانون اخیر الذکر در صورتی که محکوم علیه به مجازات حبس کمتر از یک سال محکوم شده باشد بنا به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان، دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز مجازات وی را به حبس با خدمت تبدیل نماید. با توجه به آثار سوئی که مجازات‌های حبس کوتاه مدت دارند^۱ این اقدام مقنن می‌تواند گام مثبتی ارزیابی شود.

ب) مجازات‌های مالی: قانون گذار علاوه بر رد مالی که به عنوان پورسانت اخذ شده، جزای نقدی را نیز برای مرتکبین این جرم در نظر گرفته است.

۱- رد مال: مطابق ماده واحده و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، پورسانت گیرنده مکلف به رد پورسانت یا معادل آن به دولت می‌باشد. الزام به بازگرداندن منافعی که از طریق نامشروع تحصیل شده است از نظر موازین حقوقی صحیح می‌باشد؛ اما چه بسا شخص با پورسانتی که اخذ نموده است به فعالیت‌های اقتصادی پرداخته و از این طریق منافع سرشاری به دست آورده باشد. در این صورت الزام به بازگرداندن پورسانت یا معادل آن نمی‌تواند مجازات مناسبی باشد، از این رو بهتر بود قانون گذار به گونه ای قانون را تدوین می‌نمود که این شخص علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن، مکلف می‌شد منافعی را که از این طریق تحصیل نموده است نیز به صندوق دولت واریز نماید.

۲- جزای نقدی: استفاده از مبلغی معین به عنوان مجازات، کمتر رایج است و مرسوم استفاده از حداقل و حداکثر در جزای نقدی و یا استفاده از جزای نقدی نسبی می‌باشد که طبق آن میزان جزای نقدی بر مبنای خاصی محاسبه و ارزیابی می‌شود.

قانون گذار کشورما نیز از این دو روش تعیین جزای نقدی برای مقابله با پورسانت گیری استفاده کرده است. در ماده واحده و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، جزای نقدی برابر با پورسانت، به عنوان یکی از مجازات‌ها تعیین شده است که تبعیت از تعیین جزای نقدی نسبی می‌باشد. هدف از تعیین جزای نقدی نسبی این است که با منظورکردن جریمه‌ای بیش از درآمدهای ناشی از جرم، بزهکار بالقوه از تلاش برای به دست آوردن سود نامشروع باز داشته شود (ر.ک: آشوری، ۱۳۸۲: ۲۰۸). از این رو میزان جزای نقدی باید بیشتر از سودی باشد که در صورت ارتکاب جرم عاید بزهکار می‌شود. لکن در دو ماده فوق میزان جزای نقدی برابر با سودی که از ارتکاب جرم عاید مرتکب می‌شود در نظر گرفته شده است. اما با توجه به این که درکنار غرامت نقدی، رد پورسانت یا معادل آن و حبس تعزیری نیز

۱- برناربولک حبس‌های کوتاه مدت را «علاج و چاره بدتر از بد» می‌داند (ر.ک: بولک، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

پیش‌بینی شده تا حدی این ایراد برطرف شده است. در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی دو فرض در نظر گرفته شده است. اگر مستخدم دولت کمیسیون (پورسانت) دریافت نماید و این عمل وی تأثیری در کمیت، کیفیت یا قیمت مورد معامله نداشته باشد در این صورت وی تنها محکوم به پرداخت دو برابر وجوه و منافعی می‌شود که از این طریق تحصیل نموده است. اما اگر این عمل وی تأثیری منفی در کمیت، کیفیت یا قیمت مورد معامله داشته باشد مجازاتش تشدید می‌شود. در این صورت دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا جزای نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز حکم دهد که در این صورت دادگاه با توجه به شرایط و اوضاع و احوال وقوع جرم، خصوصیات مرتکب و... به هر کدام از مجازات‌های حبس و جزای نقدی که مناسب تشخیص دهد حکم می‌دهد.

گفتار دوم: پاسخ‌های غیر کیفری

با توجه به دستاوردهای علم جرم‌شناسی - به ویژه جنبش دفاع اجتماعی - سیاست جنایی دیگر تنها خود را متکی به ضمانت اجراهای کیفری نمی‌داند و تلاش می‌کند تا با استفاده از سایر ضمانت اجراها از وقوع بزهکاری جلوگیری به عمل آورد و در صورت ارتکاب با آن برخورد نماید. این گفتار به پاسخ‌های غیر کیفری به بزه اخذ پورسانت اختصاص یافته است.

الف) پاسخ‌های اداری: کارمندان دولت در صورت ارتکاب جرم نه تنها از جهت کیفری مسئولیت دارند بلکه اگر عمل آنها از جمله تخلفاتی باشد که در قانون تصریح شده است از لحاظ اداری نیز مسئولیت دارند. انواع تخلفات اداری در ۳۸ بند در ماده ۸ «قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲/۹/۷)» ذکر شده است.

اخذ پورسانت را می‌توان از مصادیق بند ۱۷ ماده اخیرالذکر دانست: «گرفتن وجوهی غیر از آن چه در قوانین و مقررات تعیین شده است یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود». در صورتی که تخلف کارمند دولت محرز شود به یکی از تنبیهات اداری که در ماده ۹ قانون اخیرالذکر تصریح شده است، محکوم می‌گردد.

ب) پاسخ‌های مدنی: برای پیشگیری و برخورد با مفاسد مالی مانند پورسانت می‌توان از ضمانت اجراهای مدنی نیز کمک گرفت. اگر در قراردادی که بین یکی از سازمان‌های دولتی و شخص حقیقی یا حقوقی دیگر منعقد می‌شود پورسانت پرداخت شود امکان اقامه دعوا حقوقی در کنار دعوای کیفری وجود دارد، زیرا از یک طرف شرکتی که به علت پرداخت پورسانت قرارداد را از دست داده از این بابت زیان دیده است و از طرف دیگر ممکن است پرداخت پورسانت موجب خرید کالایی با کیفیت یا کمیت نامرغوب شده باشد که بدین ترتیب دولت از این بابت، زیان دیده است. عدالت اقتضا می‌کند که چنین خسارتی قابل جبران باشد و یا این که دولت بتواند این قرارداد را فسخ نماید.

مواد ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون مریدا نیز به این موضوع اختصاص یافته است. در ماده ۳۴ از دولت‌ها خواسته شده است که فساد مالی را به عنوان یکی از شرایط ابطال یا لغو قرارداد یا مسترد کردن یک امتیاز تلقی نمایند. در ماده ۳۵ نیز به دولت‌ها پیشنهاد شده است قوانینی را تصویب نمایند که طبق آن اشخاص یا مؤسساتی که در نتیجه فساد مالی متحمل ضرر شده‌اند جهت جبران خسارت بتوانند علیه مسؤلان آن اقامه دعوا نمایند. جبران خسارت ناشی از دست دادن نفع احتمالی و بالقوه تحت شرایطی از سوی حقوق دانان کشور ما پذیرفته شده است؛ (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۴) شرکتی که به علت پرداخت پورسانت قرارداد را از دست داده است می‌تواند برای جبران خسارات خود تحت این عنوان اقامه دعوا نماید. همچنین با تصویب «آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی (مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۲)» حق دولت به فسخ قرار داد پذیرفته شده است. طبق بند «ه» ماده ۲ این آیین‌نامه، اگر در قراردادی که دستگاه‌های اجرایی منعقد می‌کنند طرف دیگر مبادرت به پرداخت رشوه (پورسانت) نماید، دستگاه اجرایی مذکور می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

ج) پاسخ‌ها از نظر نهاد اجتماعی: برخورد با بزهکاری و حفظ امنیت دیگر وظیفه انحصاری دولت‌ها نمی‌باشد بلکه در پرتو سیاست جنایی مشارکتی برخورد مؤثرتر و مناسب‌تر با بزهکاری نیازمند کمک جامعه مدنی می‌باشد: «شرکت دادن مردم در سیاست جنایی... به معنای این است که امروزه پیشگیری و - چرا که نه - سرکوبی، یعنی امنیت، اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۳۱). برخورد با مفاسد مالی همچون پورسانت نیز نیازمند سه رکن داشتن اطلاعات، رهبری و اقدام جمعی و گروهی می‌باشد که از طریق مشارکت مدنی حاصل می‌شود (Staphen harst, 2000: 1). اما متأسفانه در کشور ما به مشارکت جامعه مدنی برای برخورد با مفاسد مالی بهای کافی داده نشده است. به طوری که هیچ سازمان غیر دولتی در این زمینه فعالیت نمی‌کند. این در حالی است که سازمانی به نام «شفافیت بین‌المللی»^۱ به عنوان یک سازمان غیر دولتی در عرصه بین‌المللی فعالیت می‌کند. از این رو به علت فقدان سازمان غیردولتی فعال در این زمینه در ایران، به نقش مطبوعات - به عنوان یکی از ابزارهای جامعه مدنی - در برخورد با مفاسد مالی اشاره می‌شود و سپس توضیحاتی در مورد چگونگی تاسیس و فعالیت سازمان شفافیت بین‌المللی ارائه می‌گردد.

۱- مطبوعات: به طور سنتی برخورد رسانه‌ها با پرونده‌های قضایی به دو شکل بوده است: اطلاع رسانی در مورد پرونده‌هایی که در محاکم در حال رسیدگی است و بازسازی پرونده‌هایی

که در گذشته در محاکم مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. اما امروزه مطبوعات رسالت دیگری نیز به عهده دارند و آن آگاه ساختن افکار عمومی و فشار به دولت‌ها برای تعقیب جرایم مهم می‌باشد (ر.ک: دلماس، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۰۴). مطبوعات به طرق گوناگون می‌توانند در مبارزه با مفاسد مالی مؤثر واقع شوند. انتشار گزارش‌های مربوط به مفاسد مالی از سوی مطبوعات باعث تحریک مسئولان به تحقیق در مورد موضوع مورد نظر می‌شود. وقتی مطبوعات در مورد بزه‌ی تحقیق می‌کنند خطر کشف آن افزایش می‌یابد و یا حتی موجبات شکست شخص یا حزب مربوط در انتخابات را فراهم می‌آورد (Staphen hurst, 2003:3).

با توجه به نقش مهمی که مطبوعات در امر مبارزه با مفاسد مالی می‌توانند داشته باشند در کنوانسیون مریدا از دولت‌ها درخواست شده است آزادی تحقیق، انتشار و اشاعه اطلاعات در مورد مفاسد مالی را ترویج نمایند (ماده ۱۳ کنوانسیون مبارزه با مفاسد مالی (مریدا) ۲۰۰۳). به نظر می‌آید که ظرفیت و قابلیت‌های لازم برای فعالیت مطبوعات کشور ما در این زمینه فراهم می‌باشد، زیرا از یک سو طبق ماده ۲ قانون مطبوعات، از جمله رسالت‌های مهم مطبوعات، روشن ساختن افکار عمومی و همچنین ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی می‌باشد. از سوی دیگر، طبق ماده ۱۳ این قانون، مطبوعات می‌توانند نظرات، انتقادات سازنده و پیشنهادات و توضیحات مردم و مسئولان را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه به اطلاع عموم برسانند. اما قانون در این زمینه کاستی‌هایی هم دارد. مطبوعات برای این که بتوانند در این زمینه فعالیت نمایند باید از آزادی و اختیار عمل زیادی برخوردار باشند بگونه‌ای که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نتواند آنها را تحت فشار قرار دهد که در ماده ۴ این قانون به آن اشاره شده است. اما در قانون هیچ ضمانت اجرایی برای اشخاصی که مانع اعمال این حق قانونی مطبوعات می‌شوند و یا آنها را تحت فشار قرار می‌دهند در نظر گرفته نشده است.

۲- سازمان شفافیت بین‌المللی: سازمان شفافیت بین‌المللی یک سازمان غیر دولتی است که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند. این سازمان به منظور مقابله با فساد مالی ایجاد شده است و به همین منظور به جامعه مدنی، تجار و دولت‌ها در مبارزه با فساد مالی کمک می‌نماید. یک گروه ده نفره از پنج کشور جهان به قید قرعه انتخاب شدند تا منشور تشکیل سازمان شفافیت بین‌المللی را تهیه نمایند و به دنبال تهیه این منشور، سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۱۹۹۳ به طور رسمی کار خود را آغاز نمود.^۱

اولین جلسه عمومی سالانه این سازمان در سال ۱۹۹۴ در دامپک اکوادور برگزار شد. این سازمان دارای یک دبیرخانه است و شعبه‌هایی هم در کشورهای عضو دارد که به شعب ملی معروف می‌باشند.^۱ این سازمان تاکنون بیش از ۸۵ شعبه ملی در سرتاسر جهان تشکیل داده است که در هر دو زمینه ملی و بین‌المللی علیه فساد فعالیت می‌کنند.

از جهت بین‌المللی این شعبه‌ها مبادرت به اطلاع رسانی در مورد زیان‌های فساد مالی می‌نمایند؛ سیاست‌های اصلاحی را پیشنهاد می‌کنند و بر اجرای کنوانسیون‌های چند جانبه توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و بانک‌ها نظارت می‌کنند. در زمینه ملی نیز تلاش می‌کنند تا سطح پاسخ‌گویی و شفافیت را افزایش دهند؛ بر کار نهادهای مهم نظارت نمایند و بر انجام اصلاحات ضروری به دولت‌ها فشار آورند (همان). سازمان در سال ۱۹۹۵ دست به ابتکار جدیدی زد و مبادرت به ثبت شاخص فساد مالی در کشورها نمود. آماري که این سازمان ارائه می‌دهد، مهم‌ترین و قابل اعتمادترین آمار در این زمینه می‌باشد و در تحقیقات و آموزش‌ها نیز از آن استفاده می‌شود.^۲ بدین ترتیب این سازمان تلاش می‌کند تا با کمک و ارائه راهنمایی به کشورهای عضو آنها را در مبارزه علیه مفاسد مالی فعال تر نماید.

د) تدابیر پیشگیرانه: تقسیم‌بندی‌های متعددی از پیشگیری شده است اما شاید بتوان مهم‌ترین تقسیم‌بندی را پیشگیری اجتماعی و وضعی دانست که در زیر بررسی می‌کنیم. البته با توجه به این که اغلب مطالب مربوط به پیشگیری به بزه اخذ پورسانت اختصاص ندارد و سایر مفاسد مالی را نیز شامل می‌شود در این قسمت از تدابیر پیشگیرانه مفاسد مالی بحث می‌شود.

۱- پیشگیری اجتماعی: پیشگیری اجتماعی آن دسته از اقدامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد که با هدف پیشگیری از وقوع جرم، در محیط‌هایی که شخص در آن جا سکونت دارد یا فعالیت می‌کند به کار می‌رود (ر.ک: نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰). برخی از عواملی که موجبات ارتکاب مفاسد مالی را فراهم می‌آورند همراه با راهکارهای پیشگیری از آن عبارت‌اند از:

- ترمیم حقوق کارکنان دولت: یکی از عللی که زمینه ارتکاب مفاسد مالی همچون پورسانت را فراهم می‌آورد حقوق اندکی است که کارکنان دریافت می‌کنند. سنگاپور یکی از کشورهایی است که در مبارزه با فساد مالی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته و تا حد زیادی توانسته است فساد را کنترل نماید. یکی از علل این امر را می‌توان دستمزد زیاد کارمندان این کشور دانست به طوری که وزرای این کشور بالاترین حقوق را در بین تمام کشورهای جهان دریافت می‌کنند؛ سایر کارمندان این کشور نیز

1- http://www.Transparency.org/about_ti/index.htm 1.

2- http://www.transparency.org/about_ti/mission.htm 1.

دستمزد بالایی دارند (Tanzi, Vito, 2002: 51). انریکوفری نیز پرداخت حقوق مناسب با احتیاجات کارمندان را اقدامی مناسب برای کاهش مفاسد مالی می‌دانست (ر.ک: گسن، ۱۳۷۰: ۷۵). لذا، در بند یک ماده ۷ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی از دولتها خواسته شده است با پرداخت دستمزد مکفی به کارمندان دولت، نیاز آنها به تحصیل مال از طریق فاسد را از بین ببرند.

- تقبیح اجتماعی و تلاش فرهنگی: برخی از افرادی که مبادرت به ارتکاب مفاسد مالی می‌کنند حقوق مکفی از دولت دریافت می‌کنند به طوری که ارتکاب این عمل از سوی آنها را نمی‌توان پایین بودن حقوق و دستمزد آنها دانست. به نظر می‌رسد علت آن را باید حرص و طمع انسان‌ها در کسب ثروت و مال اندوزی دانست. در بسیاری از کشورها - از جمله ایران - کسب ثروت و مال اندوزی نوعی ارزش‌غایی محسوب می‌شود به گونه‌ای که هر کس ثروت بیشتری دارد از احترام بیشتری برخوردار می‌باشد (ر.ک: طبیبی، ۱۳۷۹: ۱۵۹). از این رو افراد در کسب ثروت بیشتر بایکدیگر به رقابت می‌پردازند. از طرف دیگر، طمع ثروت سیری ناپذیر است. «ثروت مانند الکل تندی است که به جای فرونشاندن تشنگی موجب فزونی آن می‌شود» (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۳۲۵). بدین ترتیب ثروت بیشتر نه تنها انسان را ارضا نمی‌کند بلکه او را در کسب ثروت مشتاق‌تر نیز می‌کند. از این رو انسان‌ها برای به دست آوردن ثروت دست به هر کاری می‌زنند و برای کارمندان دولت نیز آسان‌ترین کار تحصیل مال از طریق مفاسد مالی می‌باشد.

به نظر می‌رسد برای مقابله با این امر جامعه باید انگیزه افراد در کسب ثروت را تعدیل نماید به گونه‌ای که تنها ثروت اهمیت نداشته باشد بلکه طریق تحصیل آن نیز مهم باشد. درکنار اقدامات فرهنگی مقنن می‌تواند با وضع قوانین مناسب، کارمندان را تشویق نماید که مرتکب فساد نشوند. نقل است که در چین قدیم حکومت به کارمندان خود حق نیفتادن به دام رشوه خواری و مفاسد مالی پرداخت می‌نمود که به آن «یانگ سین» می‌گفتند (ر.ک: محمودی، ۱۳۸۲: ۲۴۴). در تبصره ۳ ماده واحده، قانون‌گذار اشخاصی را که اخذ پورسانت را به اطلاع مسئولان خود می‌رسانند و وجوه دریافتی را به حساب خزانه واریز می‌نمایند، مستحق مجازات ندانسته است اما چه بهتر بود به منظور تشویق افراد به بازگرداندن پورسانت، قسمتی از پورسانت دریافتی را به خود آنها اختصاص می‌داد.

- ارتقای بنیه اعتقادی و مذهبی: گرچه عواملی همانند حقوق اندک و حرص و طمع به مال اندوزی زمینه ساز ارتکاب مفاسد مالی می‌باشند، عواملی نیز وجود دارند که انسان‌ها را از کارهای نامشروع و مفاسد بازمی‌دارند و از آن میان می‌توان به اخلاق و اعتقادات مذهبی اشاره کرد. «ایمان خوی انسانی را تهذیب، قواعد عدل را برپا، حقوق افراد حفظ و آشوب و شر و فساد

را پایان می‌دهد» (گرچی، ۱۳۷۲: ۶۴). نتایج تحقیقات در مورد تاثیر دین در کاهش بزهکاری نیز حاکی از آن است که این دو رابطه مستقیم با هم دارند. به گونه‌ای که اشخاصی که به واقع به دین و احکام آن ایمان دارند نسبت به کسانی که چنین اعتقادی ندارند کمتر مرتکب بزهکاری می‌شوند (ر. ک: سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۶۹۸). از این رو تقویت ارزش‌های دینی می‌تواند نقش مهمی در کاهش بزهکاری و مفاسد مالی داشته باشد.

- تلاش در راستای گسترش خصوصی سازی: امروزه دولت‌ها در بسیاری از امور از جمله بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، اقتصاد و... فعالیت می‌کنند. افزایش دیوان سالاری فرصت ارتکاب مفاسد مالی را نیز بیشتر می‌نماید. ساختار انحصاری قدرت دولت، این امکان را به کارمندان می‌دهد که از اختیارانشان در جهت منافع شخصی خود سوءاستفاده نمایند. مدیران شرکت‌های دولتی که نگران سود آوری اداره یا سازمان متبوع خود نیستند در خرید کالا به منافع شخصی خود بیشتر، اهمیت می‌دهند. به عنوان مثال برای ساخت کارخانه فولاد آلیاژ یزد، یکی از متخصصان طی مکاتباتی که با رئیس جمهور، برخی از نمایندگان مجلس، وزیر مربوطه و مسؤلان کارخانه انجام می‌دهد هزینه انجام پروژه را یکصد و چهل میلیون دلار برآورد می‌کند؛ اما با کمال تعجب قرارداد با شرکت دیگری با هزینه سیصد میلیون دلار منعقد می‌شود که در نهایت نیز کارخانه با هزینه سیصدوسی میلیون دلار ساخته شد (ر. ک: نصیری، ۱۳۸۰: ۳۷). به طور کلی براساس تحقیقاتی که صورت گرفته است یک ارتباط مثبت و معناداری بین بودجه دستگاه‌های دولتی و فساد مالی، در ایران وجود دارد (طرح مطالعه تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت نظام اداری، ۱۳۸۰: ۱۹۰). لذا، کاهش تصدی‌گری دولت می‌تواند نقش مهمی در کاهش مفاسد مالی ایفا نماید. حتی برخی همانند گری بکر را فراتر از این نهاده و اعتقاد دارند برای محو فساد باید دولت را محو کرد (Tanzi, Vito, 2002: 26). پذیرش این سخن در زمان کنونی دشوار می‌نماید اما همان گونه که در دهمین کنفرانس بین‌المللی مبارزه با فساد مالی بر آن تاکید شده، کاهش دخالت دولت در امور می‌تواند نقش مهمی در کاهش مفاسد مالی داشته باشد (ر. ک: عباس‌زادگان، ۱۳۸۳). البته خصوصی سازی نیز باید با برنامه‌ریزی و نظارت دقیق صورت بگیرد، زیرا در فرآیند خصوصی سازی نیز زمینه‌های زیادی برای ارتکاب مفاسد مالی وجود دارد.

۲- پیشگیری وضعی: استفاده از تدابیر پیشگیری وضعی نیز اقدام مؤثری برای جلوگیری از به فعل در آوردن اقدامات فاسد می‌باشد. منظور از پیشگیری وضعی «اقدام‌های غیرکیفری است که هدفشان جلوگیری از به فعل در آوردن اندیشه (مجرمانه) با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد»

(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۶۱). نظارت و بازرسی در اعمال کارمندان دولت را می‌توان نوعی پیشگیری وضعی دانست که از ارتکاب مفاسد مالی جلوگیری به عمل می‌آورد، زیرا فشارها و محدودیت‌هایی که به وسیله نهادهای دولتی نسبت به یکدیگر اعمال می‌شود فرصت‌های سوء استفاده از قدرت را کاهش می‌دهد (ر.ک: ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۷۶) و از وقوع مفاسد مالی پیشگیری به عمل می‌آورد. از جمله نهادهایی که در کشور ما وظیفه بازرسی و نظارت را دارند می‌توان به سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. علاوه بر این، جرم انگاری تطهیر پول^۱ نیز می‌تواند اقدام مؤثری در پیشگیری از ارتکاب مفاسد مالی باشد، زیرا بدین ترتیب کارکنان دولت ملاحظه می‌کنند در صورت موفقیت در تحصیل مال از طریق نادرست نمی‌توانند از آن منتفع شوند و در صورت استفاده از اموال مذکور امکان کشف، شناسایی و دستگیری آنها بیشتر می‌شود. از این رو این عمل می‌تواند تا حد زیادی انگیزه کارمندان دولت را به ارتکاب مفاسد مالی کاهش دهد.

در کنوانسیون مریدا نیز از دولت‌ها خواسته شده است به جرم انگاری تطهیر پول اقدام ورزند. در ماده ۱۴ این کنوانسیون از دولت‌ها درخواست شده است که یک نظام نظارتی جامع، برای مؤسسات مالی خود در نظر بگیرند به گونه‌ای که مؤسسات مالی موظف باشند معاملات مشکوک را گزارش دهند.

نتیجه‌گیری

سیاست جنایی ایران در قبال بزه اخذ پورسانت، سیاستی سرکوب‌گرانه است، به طوری که تلاش شده است با توسل به مجازات از وقوع آن جلوگیری به عمل آید. این در حالی است که امروزه ثابت شده است که برخورد با پدیده مجرمانه تنها از طریق تدابیر کیفری امکان‌پذیر نمی‌باشد بلکه باید از سایر تدابیر غیرکیفری همچون ضمانت اجراهای مدنی، تدابیر پیشگیرانه و... نیز استفاده نمود. ضمانت اجراهای کیفری پیش‌بینی شده نیز ضمانت اجراهای سنتی حبس و جزای نقدی می‌باشند و از سایر تدابیر جایگزین کمتر بهره برده شده است. از طرف دیگر در جامعه ما هنوز حکومت خود را متولی منحصر به فرد برقراری امنیت و برخورد با جرایم می‌داند و از جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی کمک می‌گیرد. در برخورد با بزه اخذ پورسانت نیز از این سیاست پیروی شده است، اما همان‌طور که بیان شد یک سیاست جنایی مطلوب از تمام وسایل و امکانات موجود در جامعه بهره می‌برد.

منابع

الف- فارسی

- ۱- آشوری، محمد، جایگزین زندان یا مجازاتهای بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۲- استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳- بولک، برنار، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ سوم، آبان ۱۳۸۲.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه علم حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، آذر ۱۳۶۲.
- ۵- دلماس، مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ج ۱، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.
- ۶- ربیعی، علی، زنده باد فساد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.
- ۷- سلیمی، علی و داوری، محمد، جامعه شناسی کجروی، ج ۱، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰.
- ۸- شمس ناتری، محمد ابراهیم، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل، پایان نامه دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- ۹- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۰- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر میزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد سوم، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- ۱۱- طیبی، حشمت‌اله، مبادی و اصول جامعه شناسی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۹.
- ۱۲- طرح مطالعه تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت نظام اداری، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۳- عباس‌زادگان، محمد، فساد اداری، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۴- قانون نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۵- قربانی، فرج‌اله، مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۸.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- کرمی، محمد باقر، مجموعه قوانین، مقررات و نظریات مشورتی راجع به کیفر کارمندان دولت و قضات، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷.
- ۲۰- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، مهر ۱۳۷۳.

- ۲۱- گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سیدضیاءالدین نقابت، ج ۱، تهران، انتشارات ابن‌سینا.
- ۲۲- گرجی، ابوالقاسم، گزارش کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلام و اثر آن در مبارزه با جرایم، مقالات حقوقی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، مرداد ۱۳۷۲.
- ۲۳- گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، نشر مترجم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰.
- ۲۴- لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.
- ۲۵- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۲۶- محمودی، وحید، «فساد اقتصادی و توسعه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۹۰-۱۸۹، سال ۱۳۸۲.
- ۲۷- المنجد فی اللغة و الاعلام، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی الحورایی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۱.
- ۲۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.
- ۲۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۰-۱۹، بهار تا پاییز ۱۳۷۶.
- ۳۰- نصیری، مهدی، عمق فاجعه: فساد مالی در حاکمیت، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
- ۳۱- نصیری، مهدی، فساد مالی در حاکمیت، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
- ۳۲- الهندی، علی‌المتقی، کنز العمال، ج ۶، هنده، دایره‌المعارف الثانیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷ق.
- ۳۳- ولد، جرج، برنارد توماس و جفری اسپینس، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

ب- لاتین

- 34- Staphen harst, Rick, **The media's Role in Corbing Corruption**, International Bank for Reconstruction. And Development, first Edition 2000.
- 35- Tanzi, Vito, **Corruption Around The world: Causes, Consequences, Scope And Cures**, Governance Corruption &- Economic Performance, Washington D. C, International Fund , First Edition 2002 p51
- 36- http://w www. Transparency. org / about _ ti.